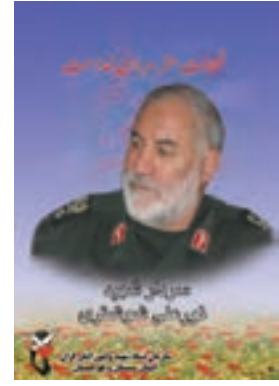




شهدای وحدت



از اینکه امکان به تصویر کشیدن عکس تمام شهدای عزیز نبود عذرخواهی می نمایم.

جمعی از شهدای استان





درس دهم: گذشته استان و مراکز اولیه تمدن

استان سیستان و بلوچستان به دلیل ویژگی‌های طبیعی، خاک حاصلخیز و آب فراوان در برخی از مناطق در مقایسه با دیگر سرزمین‌های پیرامون به عنوان یکی از کانون‌های فرهنگ، تاریخ و مرکز تجمع انسانی، از مدنیت والایی در دوره باستانی برخوردار بوده است که هر یک از آنها میراث‌دار تعداد زیادی از تمدن‌های کهن ایران زمین است.



شکل ۱-۱- حکومت پارس در عهد داریوش

الف) مراکز اولیه تمدن در شمال استان (سیستان)

شهر سوخته: این شهر بدون شک جزء شهرهای بسیار پیشرفته زمان خود بوده است. شهر سوخته در ۵۶ کیلومتری جنوب غربی شهر زابل واقع شده و بیش از ۵۲۰۰ سال قدمت دارد. این شهر دارای یک نظام مرتب و منظم آبرسانی و تخلیه فاضلاب بوده و نیز در زمینه پزشکی اعمال شگفت‌انگیزی چون جراحی جمجمه در این منطقه صورت گرفته است. آثار به دست آمده از شهر سوخته عبارت‌اند از: چشم مصنوعی، شانه معرق، جام انیمیشن (اولین نقاشی متحرک دنیا)، جعبه آینه و لوازم آرایش، تخته بازی، انواع مهرها و ... شهر سوخته دارای بخش‌های مسکونی، صنعتی، بناهای یادمانی و گورستان بوده است.



شکل ۲-۱. مهرها و جام پویانمایی (انیمیشن) شهر سوخته سیستان

بیشتر بدانیم

شهر دهانه غلامان : شهر دهانه غلامان در حدود ۲ کیلومتری روستای قلعه نو و در جنوب غرب شهر زهک واقع است و با زابل ۴۳ کیلومتر فاصله دارد. این شهر طی سده‌های پنجم و ششم پیش از میلاد توسط متخصصان فناوری با نقشه قبلی ابتدا به صورت شهر بنا شده که دارای ۲۷ ساختمان اداری، عمومی، مذهبی، صنعتی و نظامی بوده است.

ب) مرکز تمدن‌های اولیه در جنوب استان (بلوچستان)

چاه حسینی : کهن‌ترین محوطه باستانی شناخته شده منطقه جنوب استان (بلوچستان) مربوط به تپه چاه حسینی است که تپه نسبتاً کوچکی مربوط به نیمه هزاره چهارم قبل از میلاد (در شمال رودخانه بمپور در ۴۵ کیلومتری غرب بمپور) است. از این تپه آثار سفال‌های ظریف منقوش قرمز رنگ به دست آمده که مربوط به دوران فلز است.

بیشتر بدانیم

قلعه بمپور : این قلعه به عنوان یک مرکز تجمع انسانی با مدنیت والا در دوره باستان بوده است. از منطقه باستانی خوراب بمپور آثار سفالی، کاسه‌های فلزی، تبر فلزی و ظروف مرمرین کشف شده است. در تپه دامین که در ۱۵ کیلومتری ایرانشهر در کنار رود کارواندر واقع شده ظروف سفالی و ابزار مفرغی به دست آمده که سفال‌های منطقه دامین شباهت زیادی به سفال‌های منطقه سیستان دارد. در تراس‌های رودخانه لادیز و ماشکید تعدادی ابزار و اشیای مربوط به دوره پارینه سنگی از جمله ساتورهای یک لبه و دو لبه پخ پیدا شده است.



میراث فرهنگی و تاریخی استان

الف) سیستان

شمال استان (سیستان) در دوران باستان و قبل از اسلام: سیستان در جنوب شرقی ایران واقع شده است و همواره سرزمین اساطیر و رستم، پرورش خانه پهلوانی، خاستگاه نخستین تمدن‌های پیشرفته بشری و معبر کاروان‌های تجاری بوده است. سکاها در قرن دوم قبل از میلاد در منطقه سیستان امروزی ساکن شدند و در سیستان حکومتی بنا نهادند و بیش از دو هزار سال در این منطقه ماندگار شدند. این منطقه محل استقرار خاندان سورن یکی از هفت خاندان بزرگ ایرانی است که بدون اعلام حمایت آنها هیچ حکومتی پایدار نمی‌شد و رسمیت نمی‌یافت. همچنین سیستانی‌ها از ارکان اصلی قدرت امپراتوری ساسانی بودند و پادشاهان ساسانی عنوان سکان شاه را با افتخار بر نام خویش می‌افزودند و حتی قبل از اسلام به آیین حق طلبی، یکتاپرستی، پذیرش و گسترش دین پیامبر آسمانی یعنی زرتشت معتقد بودند. بهرام دوم پادشاه ساسانی بعد از فتح سیستان فرزند بهرام سوم را به حکومت سیستان گمارد و او را سکان شاه خواندند.



شکل ۳-۱۰- نقشه پادشاهی پارت

سیستان در دوران بعد از ظهور اسلام: در سال ۳۰ هـ. ق مسلمانان وارد سیستان شدند و ربیع بن زیاد به حکومت آنجا گمارده شد. علی‌رغم اینکه در دوره اموی اهل بیت در اغلب بلاد اسلامی مورد بی‌مهری قرار گرفتند اما در سیستان هیچگاه لعن و نفرینی علیه امام علی (ع) جاری نشده است. در سال ۲۴۷ هـ. ق یعقوب لیث صفاری دولت ایرانی بعد از اسلام را در سیستان بنا کرد و بعد از وفات او عمرولیث به جای او فرمانروا شد.

پس از صفاریان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان و مغولان بر سیستان حکمرانی داشته‌اند. تیمور در سال ۷۶۴ هـ. ق، از فرمانروای سیستان شکست خورد و زخمی بر پای راستش وارد آمد که هیچگاه درمان نشد و به



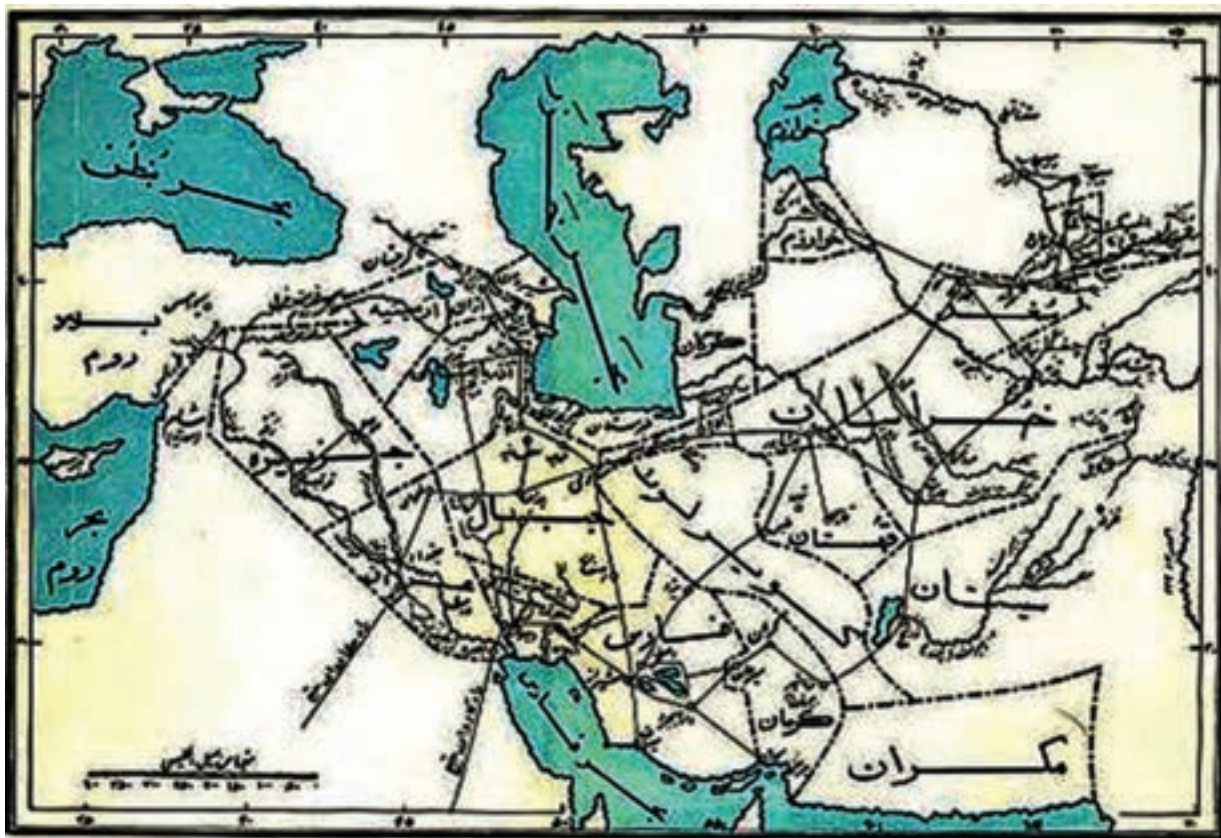
شکل ۴-۱۰- یعقوب لیث صفاری

تیمورلنگ مشهور شد. وی ۲۱ سال بعد دوباره به سیستان لشکر کشید. این منطقه در زمان صفویّه از پادشاهان صفویّه فرمان می‌برد و در سال ۱۳۳۰ هـ.ش به علت ظلم و جور حکومت پهلوی و خاندان علم، مردم سیستان علیه آنها قیامی خونین کردند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خدمات زیادی در منطقه صورت گرفته است، از جمله: آبرسانی، برق، جاده‌سازی، ایجاد بازارچه‌های مرزی، ایجاد دانشگاه و احداث جاده ترانزیت چابهار، میلک و ...

ب) بلوچستان

جنوب استان (بلوچستان) در دوران باستان و قبل از اسلام:

قدمت آثار به دست آمده از جنوب استان به سه هزار سال قبل از میلاد می‌رسد. در معجم البلدان آمده است که مردم این ناحیه را یونانیان قومی ایرانی نامیده‌اند و از این منطقه به نام‌های میکیان یا مکران یاد شده است. تا قبل از قرن چهارم مکران در دست قوم جت بود که قومی آریایی بودند و از دوره پیش از اسلام در بنادر خلیج فارس و دریای عمان (دریای مکران) در طرف هندوستان می‌زیستند و قوم زط (جت) از ایران به طرف غرب آسیا و اروپا مهاجرت کرده‌اند و بعد طایفه بلوچ که از اقوام آریایی هستند، پس از قرن چهارم به مکران کوچ کرده‌اند.



شکل ۵-۱۰- بلوچستان بعد از ظهور اسلام



بلوچستان بعد از ظهور اسلام: مردم این منطقه اقوامی سخت کوش، بیابانگرد و کوه‌نشین بوده‌اند. در بخش‌هایی از این سرزمین، اسلام توسط مسلمانان در دوره‌های مختلف گسترش یافت، اما در نهایت در سال ۳۹ هـ.ق به فرمان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) فتح بلوچستان کامل شد و عده‌ای از مردم آنجا از جمله مردم طیس (تیس) اسلام را پذیرفتند. در سال ۲۵۰ هـ.ق یعقوب لیث صفاری (اولین امیر ایران بعد از اسلام) از سیستان به این منطقه (بلوچستان) که در زمان طاهریان جزء ایالت سند به شمار می‌رفت، حمله کرد و آنجا را فتح نمود. بلوچستان در دوره سامانی، دیلمی، غزنوی، سلجوقی، خوارزمشاهی، مغول و ... دچار درگیری و سرکوب شد، اما در دوران نادرشاه افشار در حالی که اشرف افغان بعد از شکست از نادرشاه در حال فرار بود، بلوچ‌ها با حکومت همراه شدند و راه را بر اشرف افغان بستند و او را کشتند که نادرشاه از این خدمت آنها تقدیر کرد.

برای مطالعه

جنگ تعدادی از بلوچ‌ها از جمله هَمَل با استعمارگران پرتغالی در دفاع از سرزمین ایران و درگیر شدن وی در دریای عمان با آنان افسانه‌ای است که سینه‌به‌سینه بیان می‌شود. گرچه او توسط پرتغالی‌ها اسیر شد، ولی در اسارت هم با دشمنان ایران همکاری نکرد.

با عملیات قشون در بلوچستان که به دستور رضاشاه در سال ۱۳۰۷ هـ.ش صورت گرفت، حکومت‌های محلی بلوچستان ساقط شدند و این منطقه مطیع حکومت مرکزی گردید، اما نه در دوره پهلوی اول و نه دوره پهلوی دوم به لحاظ عمرانی بلوچستان چندان مورد توجه قرار نگرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی دولت خدمات زیادی از جمله: ایجاد دانشگاه، مدرسه، راه آهن، راه‌های آسفالت، سدسازی، برق و آبرسانی، ایجاد منطقه آزاد تجاری و بندری، توسعه کشاورزی، شهرک‌های صنعتی، بازارچه‌های مرزی و ... اجرا کرده است و پروژه‌های بسیاری از جمله: خط لوله انتقال گاز به استان و راه آهن چابهار- زاهدان به مشهد را در دست اجرا دارد.

بیشتر بدانیم



اولین های استان

- یکی از اولین ترجمه های قرآن کریم به گویش و واژه های سیستانی به خط کوفی نوشته شده و قرآن قدس نام گرفته است.
- اولین پهلوان حماسی ایران «رستم» که در شاهنامه فردوسی بسیار از او و دلآوری هایش یاد شده است، زاده سیستان است.
- قدیمی ترین آثار پارینه سنگی در تراس های آبرفتی رودهای لادیز و ماشکید، جنوب استان (بلوچستان) به دست آمده است.
- کهن ترین محوطه باستانی شناخته شده منطقه جنوب استان (بلوچستان) مربوط به تپه چاه حسینی است.
- اولین حکومت ایرانی بعد از اسلام در سیستان توسط یعقوب لیث صفاری تشکیل شده است.
- محمد ابن وصیف سیستانی، اولین شاعر پارسی گوی ایرانی، سیستانی است و در دربار یعقوب لیث صفاری به احیاء شعر و زبان پارسی همت گماشت.
- ابویعقوب سجستانی (سیستانی) نویسنده کهن ترین کتاب نثر پارسی دری به نام کشف المحجوب است.
- حریر ابن عبدالله سجزی از اولین فقهای جهان تشیع از شاگردان امام جعفر صادق (ع) برخاسته از سیستان است.
- اولین قوانین بیمه های اجتماعی توسط یعقوب لیث صفاری نوشته شده است.
- اولین آسبادهای جهان در سیستان اختراع شده است.
- اولین تصاویر پویانمایی (انیمیشن) یا تصاویر متحرک در شهر سوخته متعلق به سرزمین سیستان است.
- قدیمی ترین جراحی جمجمه انسان در شهر سوخته سیستان انجام شده است.
- اولین دانشمندی که اسطرلاب زورقی را اختراع کرد، استاد ابوسعید سجزی اهل سیستان است.
- قدیمی ترین تخته نردبازی در شهر سوخته سیستان کشف شده است.

فعالیت



دانش آموز عزیز: تحقیق کنید

- ۱- قوم سیستانی چند سال قبل، از کدام منطقه و چگونه به این استان مهاجرت کردند؟
- ۲- قوم بلوچ چند سال قبل و از کدام منطقه و چگونه به این استان مهاجرت کردند؟



درس یازدهم: نقش مردم استان در دفاع از کیان و مرزهای ایران اسلامی



به شکل زیر نگاه کنید؛ هر یک از این عکس‌ها چه موضوعی را نشان می‌دهد؟



شکل ۲-۱۱- اعزام رزمندگان به جبهه



شکل ۱-۱۱- رزمندگان در جبهه‌ها

استان سیستان و بلوچستان به علت موقعیت جغرافیایی خاص خود و واقع شدن در همسایگی دو کشور بی‌ثبات افغانستان و پاکستان در خط اول دفاع از سرزمین ایران و مبارزه با اشراک و قاچاقچیان موادمخدر قرار گرفته است. در دوران دفاع مقدس نیز مردم این استان با پاسداری از سرزمین‌های غربی، و کیان و تمامیت سرزمین ایران در برابر هجوم بیگانگان نقش کلیدی و مهمی را ایفا کرده‌اند و از هیچ‌گونه فداکاری و ایثاری در این زمینه دریغ نکرده‌اند؛ چرا که خاک ایران را ناموس خود دانسته و دفاع از اسلام و ایران را واجب می‌دانند.

الف) نقش استان در حراست از کیان و مرزهای ایران اسلامی

در درس قبلی درباره نقش مردم استان در دفاع از سرزمین ایران از گذشته تا به امروز آشنا شدید. اولین حکومت ایران بعد از اسلام در سیستان توسط صفاریان تشکیل شد. آنان توانستند نمودهای واقعی چیرگی خلافت بغداد را در سیستان و خراسان از میان بردارند و با گسترش دادن فرمانروایی خود به کرمان و شیراز، بنیاد قدرت خلافت عباسی را در جنوب ایران سست و لرزان کنند که ارمغان آن شروع دوباره استقلال ایران بود.

ب) سیستان و بلوچستان و انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به اینکه استعمارگران و حاکمان، مستبد و دیکتاتور منطقه نمی خواستند ایران مستقل و سربلند باشد و پیام آزادی مردم ایران به گوش مردم منطقه برسد، برای از بین بردن انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی را با همکاری حاکمان دیکتاتور منطقه، علیه ایران اسلامی آغاز کردند. برای مقابله با حمله رژیم صدام، دلاورمردان غیور، شجاع و فداکار این استان همگام با سایر هموطنان خود به پا خاستند.

این استان با برخورداری از نیروهای توانمند بسیج مردمی و نظامی (ارتش، سپاه و جهاد) در طول ۸ سال دفاع مقدس و نیروی انتظامی در دفاع از مرزها برای سربلندی و عزت ایران اسلامی شجاعت، رشادت، پایمردی و فداکاری نشان داد و در این راه شهیدان زیادی تقدیم ایران اسلامی کرد.

ج) شخصیت های فرهنگی، علمی، انقلابی، مذهبی و سرداران دفاع مقدس استان

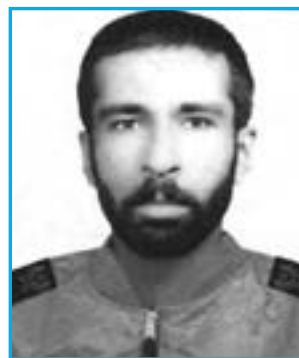
تصاویر زیر سه تن از شهدای برجسته استان ما را نشان می دهد.
شما تا چه اندازه با آنان آشنایی دارید؟



شکل ۱۱-۵



شکل ۱۱-۳



شکل ۱۱-۴



بیشتر بدانیم



شخصیت‌های فرهنگی استان

الف) فرخی سیستانی: فرخی یکی از بهترین شاعران قصیده‌سرای فارسی است، سخنانش در میان قصیده‌گویان به سادگی و روانی، استحکام و منانت ممتاز است، دیوانش با حدود نه‌هزار بیت به چاپ رسیده است. فرخی سیستانی از استادان بلندمرتبه ادبیات فارسی است که بیشتر آثار (اشعار) خود را با ساز و آواز می‌خوانده است. نام وی ابوالحسن‌علی بن جولوغ است. او در قرن پنجم هجری زندگی می‌کرده است. این دو بیتی گواهی بر استادی او در بخش شعر و موسیقی است:

«گاه گفتمی بیا و رود بزن گاه گفتمی بیا و شعر بخوان

به غزل یافتم همی احسنت به ثنا یافتم همی احسان»

ب) ملک‌شاه حسن سیستانی (بهاری): در سال ۹۷۸ هجری قمری به دنیا آمد. وی از شاهزادگان سیستان و از بازماندگان عمروبن لیث صفاری است و بسیار سفر نموده، در این سفرها با اهل علم و شعرای زیادی دیدار و گفتگو کرده است، کتاب‌های احياءالملوک، مثنوی مهر و وفا تحفة الحرمین، مهم‌تر از همه تذکره خیرالبیان که در شرح احوال شعرای قبل و معاصر خود اوست را به رشته تحریر درآورده است.

نمونه‌ای از اشعار وی:

بر شمع مراد خود دمی سرد زدیم بر سینه صدای صد جهان در زدیم

صد شعله به دست آرزومندی دل بر خرمن صبر، غصه پرورد زدیم

ج) مولوی محمد عبداللّه روانبند (سعدی بلوچستان): سال ۱۳۴۵ در باهو کلات چابهار به دنیا آمد و در ۱۶ مرداد ۱۳۶۷ در اثر واژگونی اتومبیل در قطر، دار فانی را وداع گفت و در همان کشور هم به خاک سپرده شد. در سن ۵ سالگی به یادگیری قرآن پرداخت و در سن ۱۰ سالگی به همراه خانواده به پاکستان مهاجرت کرد و از محضر علامه اقبال لاهوری شاعر بلند آوازه پاکستان بهره برد و در میان صدها شاگرد، اول و ممتاز شناخته شد. او تنها شاعر در خطّه بلوچستان بود که در علم عروض، بدیع و بیان تسلط کامل داشت.

د) ابوالفتح بستی: یکی دیگر از شاعران بلند آوازه سیستان است که در قرن چهارم هجری می‌زیسته است. او به زبان عربی تسلط داشت، از وی ۲ دیوان شعر به عربی و فارسی مانده است. تاریخ‌نویسان وفات او را سال ۴۰۱ هجری درج کرده‌اند. از سایر شاعران و سخنوران سیستان شمس بستی، امیرحسین علاءسجزی، سراج‌الدین سجزی را می‌توان نام برد.

هـ) محمد ارباب بیگس (عارف سیستانی): در سال ۱۳۲۵ هجری شمسی در شهرستان زابل دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همین شهرستان به پایان رسانید و به شغل معلمی مشغول شد. در سال ۱۳۵۷ موفق به اخذ دانشنامه لیسانس از دانشگاه ابوریحان بیرونی گردید. در ۱۳۷۷ با حمایت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و همکاری بعضی از مداحان و شاعران منطقه، انجمن اهل بیت سیستان را تشکیل داد.

وی در دوران آشنایی اش با فرهنگ عاشورا علاقه خاصی به اهل بیت و ائمه اطهار پیدا کرد و به سرودن اشعار عاشورائی در

قالب نوحه، مرثیه، منقبت ائمه و مضامین اخلاقی ادامه داد.

زنده یاد ارباب بیگس در سال ۱۳۸۷ بدرود حیات گفت و به دیار باقی شتافت.

نمونه شعری از کتاب تحفه درویش ایشان :

خیمه بر صحرای دل‌ها آن زمان امید زد در میان کعبه طفلی خیمه توحید زد
گوهری آمد برون از درج کعبه خوش عیار صیر فی عالم هستی بر آن تأیید زد

(و) **علی اکبر یعقوبی** : وی بعدها به سیاوش پرواز موسوم شد. متولد ۱۳۲۶ شمسی در شهرستان زابل به دنیا آمد. شادروان پیش از سی سال در دادگستری شهرستان‌های مشهد و تهران به قضاوت اشتغال داشت، علاقه زیادی به ادبیات داشت وی نخستین سیستانی بود که به حوزه سرایش شعر نو گام نهاد. اولین شعر خویش را در سال ۱۳۴۳ شمسی سرود و دارای پنج مجموعه شعر بنام‌های خوشه‌های نارس، سرزدن به جوانی، افروختن آتش‌ها، دریای خاموش و موسیقی رنج است. کتاب‌های جمع‌آوری شده توسط سیاوش پرواز بالغ به ۸۰ هزار کتاب، نشریه، عکس و دست‌نوشته است. که این بزرگ‌ترین مجموعه شخصی به مرکز اسناد در کتابخانه ملی سیستان و بلوچستان اهداء گردید.

(ز) **امیرحسین علاء سجزی** : از عرفا، فضلا و شعرای بنام پارسی‌گوی قرن هفتم و هشتم ه.ق است، دیوان او مشتمل بر ۹۰۰ بیت است، از آثار شگفت‌انگیز او «مثنوی عشق‌نامه» می‌باشد که دارای ۶۰۶ بیت است و آن را یک شبه سروده است.

محبت لوح بود و عشق خامه از آن نامش نهادند عشق‌نامه
نمودم اندرین چندین تفکر سواد یک شبه بود این همه، دُر

وی علاوه بر اشعار زیبا و دلنشین از زبانی گویا و نثری روان برخوردار بود و جدا از دیوانش کتاب مهم و باارزش «فوائدالفواء» را در ۵ جلد نوشته است. که از جایگاه خاصی برخوردار است وفات او را در سال ۷۳۷ هجری قمری ثبت کرده‌اند.

(ح) **عبرت سیستانی** : میرزا محمدعلی رحیمی معروف به عبرت سیستانی در سال ۱۲۸۳ هجری قمری دیده به جهان گشود، عبرت سیستانی سیاحت بسیار نموده و به کشورهای عربستان، هند، افغانستان و ... سفر کرده است. از وی دیوان عبرت شامل اشعار دلپذیر در هندوستان (چاپ سنگی) منتشر گردید که در حال حاضر در دسترس نمی‌باشد.

کتاب قصاید عبرت نیز در سال ۱۳۴۴ به سفارش فرزندش در کراچی چاپ و منتشر شده است. وی در سال ۱۳۳۹ ه.ق وفات نمود.

اشعار زیر از کتاب غزلیات عبرت سیستانی است :

ای گدای خوشه‌چین دانی که خرمن آن کیست وی حریف مست دانی باده از پیمان کیست
از خماری نرگس مستش تو در خواب و خماری هیچ می‌دانی که آن گل زیب نرگس دان کیست
(ط) **شیخ محمد درفشان (قصرقندی)** : این شاعر عارف در سال ۱۰۴۰ ه.ق در قصرقند بلوچستان دیده به جهان گشود. به علت انجام امور خیریه، اعمال نیک و صداقت در گفتارش مردم آنجا به او لقب درافشان دادند. وی از سن ۶۰ سالگی به سرودن شعر پرداخت و تا پایان عمرش (سال ۱۱۲۰ ه.ق) شعر روح‌بخش، اجتماعی، پند و اندرز و ... می‌گفت. اشعاری از این شاعر است.

آنان که وفای به عهد بستند سرمست ز باده‌الستند
با رشته دوست گشته پیوند این رشته غیر را گسستند



شخصیت های مذهبی



شکل ۶-۱۱- آیت الله سیستانی

آیت الله العظمی حاج سیدعلی حسینی سیستانی: آیت الله سیستانی در سال ۱۳۴۹ ه.ق متولد شدند. خاندان ایشان از سادات حسینی هستند که در عهد صفوی در اصفهان می زیستند و سلطان حسین صفوی جدّ اعلاّی ایشان سیدمحمد را به منصب شیخ الاسلامی در سیستان منصوب کرد و از آن زمان تا حدود ۴۰۰ سال در سیستان ساکن بودند و خاندان ایشان در سیستان زندگی می کنند. سیدعلی جدّ معظمّه اولین شخصی بود که از سیستان به شهر مقدّس مشهد مهاجرت کرد. آیت الله سیستانی شهرت و محبوبیت زیادی در عراق، کشورهای خلیج فارس، هند، آفریقا به ویژه در میان جوانان دارند و از مراجع تقلید سرشناس و برجسته می باشند.

شخصیت مذهبی و انقلابی



شکل ۷-۱۱- آیت الله مرتضی مطهری

شهید مرتضی مطهری: آیت... مرتضی مطهری در سال ۱۲۸۹ در فریمان در ۷۵ کیلومتری شهر مشهد در خانواده روحانی اصالتاً سیستانی چشم به جهان گشود، ابتدا در مکتب خانه و از سن ۱۲ سالگی در حوزه های علمیّه مشهد و بعد قم به تحصیل مقدّسات علوم اسلامی همت گماشت و نزد اساتیدی من جمله آیت... بروجردی و امام خمینی (ره) به تحصیل اصول فقه و عرفان پرداخت. وی در سال ۱۳۵۸ به شهادت رسید. از استاد آثار ارزشمند زیادی از جمله آشنایی با قرن، داستان راستان، انسان کامل، حقوق زن در اسلام و... به جای مانده است و نیز پدر بزرگ استاد مطهری مرحوم آخوند محمدعلی، زاده سیستانی کتابی به نام «وقایع الایام» در ۱۰۰۵ صفحه به خط بسیار خوش از خود باقی گذاشته است.

بیشتر بدانیم



شکل ۸-۱۱- سید محمدتقی حسینی طباطبایی

سیدمحمدتقی حسینی طباطبایی: وی در یکی از روزهای زیبای سال ۱۳۰۷ در روستای چلنگ از توابع شهر زابل در خانواده ای روحانی، متدین و کشاورز متولّد شد. پدر بزرگش سیدحسن از روحانیون مبارز شهر بود که به علّت سخنرانی علیه رضاخان به بیرجند تبعید شد. پدرش سیدعلی نیز مردی متقی و پرهیزکار و از معتمدین شهر بود. تحصیلات دینی خود را از شهر زابل شروع کرد و از محضر اساتید بزرگ مشهد، علم و معرفت آموخت. وی در سال ۱۳۴۰ ازدواج کرد. بعد به زادگاهش زابل برگشت و به عنوان امام جماعت و نماینده آیت الله حکیم به ارشاد مردم پرداخت و خانه او پناه دردمندان و تبعیدشدگان به زابل بود که به همین جهت مدّت ها در زندان قصر تهران زندانی شد. بعد

از انقلاب به عنوان نماینده مردم سیستان در انتخابات مجلس برگزیده شد. در سن ۵۳ سالگی در هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ به همراه شهید بهشتی و سایر کبوتران خونین بال در حادثه انفجار حزب جمهوری عاشقانه به سوی معبود ازلی پرگشود.



شکل ۹-۱۱- سید مولوی
عبدالعزیز ساداتی

سید مولوی عبدالعزیز ساداتی: سید عبدالعزیز سال ۱۲۹۵ در خانواده‌ای متدین و اهل فضل در روستای کرگین سرباز دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش سید محمد صادق، عالمی فاضل از خاندان سادات بود که از روستای دزک سراوان مدت کوتاهی به سرباز مهاجرت کرد. سپس به سراوان بازگشت. ایشان در سنین جوانی برای تحصیلات عالی عازم شبه‌قاره هند شد و این سفر علمی مدت ۱۰ سال به طول انجامید. در زمان بازگشت مولوی، بسیاری از مردم سراوان با پای پیاده به استقبال ایشان رفتند. مولوی عبدالعزیز ساداتی با کمال سادگی و ساده‌زیستی در خانه‌ای کوچک و خشتی که البته پر از نور، صفا و معنویت بود، زندگی می‌کرد و مانند جدش حضرت علی (ع) آخرت را به دنیا ترجیح داده بود. مبارزاتی با رژیم پهلوی داشت. از جمله آن مخالفت با نصب مجسمه شاه در آن شهر را می‌توان نام برد. سرانجام این عالم و معلم دلسوز و عارف خداشناس در سال ۱۳۸۴ دنیای فانی را وداع گفت.



شکل ۱۰-۱۱- آیت‌الله
کفعمی خراسانی

آیت‌الله حاج شیخ محمد کفعمی خراسانی: وی در سال ۱۲۸۹ شمسی در خانواده‌ای مذهبی در شهر مشهدالرضا (ع) به دنیا آمد. پدر ایشان شیخ رجبعلی محدثی از روحانیونی بود که در کنار کشاورزی و طلبگی، مرد سیاست هم بود و به همین دلیل از تشکیل مجالس مذهبی به دستور رضاخان ممنوع شد. وی مدتی در زابل به تبلیغ دین پرداخت و باعث بیداری مردم و قیام آنان بر ضد عمال امیرقاین شد. در سال ۱۳۲۵ آیت‌الله کفعمی به درخواست مؤمنان زاهدان به این شهر مهاجرت کرد. وی فعالیت گسترده‌ای برای از بین بردن اختلاف اهل تشیع و اهل تسنن که قرن‌ها از جانب استعمارگران دامن زده شده بود، انجام داد و جلوی تبلیغات فرق ضاله را گرفت و وفاق زیادی بین شیعیان ایجاد کرد. در سال ۱۳۴۳ در کنار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که به زاهدان آمده بودند، قرار داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایشان به استقبال حضرت امام رفت و در این سفر وظیفه خطیر نمایندگی حضرت امام (ره) و امامت جمعه زاهدان به عهده ایشان گذارده شد و تا زمانی که وضعیت جسمانی ایشان اجازه می‌داد، این وظیفه را برعهده داشت. سرانجام پس از چند دهه زندگانی پاک و خدمات تابناک با دید فراملی در منطقه سیستان و بلوچستان، در ۳۱ تیر ۱۳۶۲ دعوت حق را لبیک گفت. امروزه همه مردم استان فارس و بلوچ و . . . از ایشان به نیکی یاد می‌کنند.

مولوی عبدالعزیز ملازاده سربازی: مولوی عبدالعزیز در سال ۱۲۹۵ هـ.ق در روستای دپکور شهرستان سرباز به دنیا آمد. خانواده و خاندان مولوی به فضایل ایمانی و اخلاقی انسانی معروف بودند و به خاطر زحمت‌هایی که برای مردم جامعه انجام داده بودند، در میان اجتماع جایگاه ویژه‌ای داشتند.



عبدالعزیز از همان کودکی دارای هوش و استعداد خوبی بود و در همان سنین کودکی با ادب و حالتی خاص در کنار پدرشان حضور می‌یافتند. در سال ۱۳۳۴ به قصد خدمت به زاهدان هجرت کرد و امامت مسجد نور را به عهده گرفت. در سال ۱۳۴۰ مولوی عبدالعزیز به طور رسمی امام جمعه اهل سنت زاهدان شد. عموم مردم استان اعتقاد خاصی به مولوی عبدالعزیز داشتند و می‌دانستند تصمیم‌گیری‌ها و خواسته‌های مولوی به نفع مردم و به خیر و صلاح منطقه است؛ بنابراین از دل و جان به سخنان ایشان گوش می‌دادند. مولوی معتقد بود در سایه امنیت امکان رشد منطقه تحقق می‌یابد و ناامنی به ضرر جامعه است. این روحانی بزرگوار هم از نظر اهل تشیع و اهل تسنن مورد احترام بود. اخلاص و ایمان، تدبیر و خیرخواهی مردمی وی در کنار آیت‌الله کفعمی زباززد همه است. مولوی در سال ۱۳۴۷ به نجف (عراق) رفت و با امام خمینی (ره) ملاقات کرد. در سال ۱۳۵۸ به علت عارضه قلبی به تهران منتقل شد و در بیمارستان قلب شهید رجایی که امام راحل هم آنجا بستری بود، وی را بستری نمودند. مولوی در سال ۱۳۶۶ به علت بیماری جان‌به‌جان آفرین تسلیم کرد و طبق وصیت ایشان در روستای حیط کنار آرامگاه پدرش به خاک سپرده شد.



شکل ۱۱-۱۱- مولوی عبدالعزیز

بیشتر بدانیم



آیت‌الله مرادعلی بختیاری: آیت‌الله بختیاری در سال ۱۳۰۸ در روستای محمدشاه کرم منطقه سیستان به دنیا آمد. دوران ابتدایی را در آن روستا و شهر زابل گذراند. در دوره جوانی به قم نزد آیت‌الله بروجردی رهسپار شد و بعد به نجف اشرف رفت و مدت ۲۳ سال از عمر خود را در نجف نزد بزرگان دین سپری کرد. آیت‌الله بختیاری سیستانی پس از آنکه امام از ترکیه به نجف آمدند، چهار سال در محضر امام خمینی (ره) بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی ایران به تحصیل اشتغال داشت. در سال ۱۳۴۸ شمسی ایشان جهت پاسخگویی به مسایل دینی مردم سیستان عازم سرزمین مادری اش شد. آیت‌الله مرادعلی بختیاری در سن ۸۱ سالگی به دیار باقی شتافت.



شکل ۱۲-۱۱- آیت‌الله مرادعلی بختیاری



شکل ۱۳-۱۱- شهید حجت الاسلام حاج شیخ علی مزاری

شهید حجت الاسلام حاج شیخ علی مزاری : در ۱۸ شهریور ۱۳۲۳ در خانواده‌ای مذهبی در روستای مزار دشت بیرجند چشم به جهان گشود. از کودکی به تحصیل علوم دینی مشغول شد. در سال ۱۳۴۰ پس از سکونت در زاهدان به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی پرداخت که از آن جمله احداث مدارس ۱۴ معصوم را می‌توان نام برد. ایشان امام جماعت مسجد علی ابن ابی طالب نیز بودند. حجت الاسلام مزاری سرانجام در ۱۸ خرداد ماه ۱۳۶۹ جلوی در منزلش به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

سرداران دفاع مقدس



شکل ۱۴-۱۱- شهید قاسم میرحسینی

سردار شهید اسلام شهید حاج قاسم میرحسینی : در مرداد ماه ۱۳۴۲ در منزل مرادعلی میرحسینی روستای صفدرمیربیک سیستان نوزادی به طراوت برگ گل به دنیا آمد که پدرش نام میرقاسم بر آن نهاد. قاسم کوچک‌ترین فرزند خانواده بود. در دوران دبستان فاصله سه کیلومتری خانه تا دبستان را با صبوری می‌پیمود و دوران راهنمایی را به روستای جزینک می‌رفت. از همان زمان به نماز اهمیت زیاد می‌داد و بعد از پایان دوران راهنمایی در آزمون ورودی هنرستان شبانه‌روزی زابل شرکت کرد و در رشته کشاورزی پذیرفته شد. در سال دوم هنرستان در تاسوعای سال ۱۳۵۷ در روستای جزینک اعلامیه‌های حضرت امام را در میان راهپیمایان می‌خواند و با نوشتن پلاکارد و توزیع شعارها در بین جمعیت ادای وظیفه می‌کرد. اولین انجمن اسلامی دانش‌آموزان سیستان را در هنرستان کشاورزی تشکیل داد. از همان اول به موازات عضویت نیمه‌وقت در سپاه پاسداران زابل، به جمع گروه‌های خیری که برای کارهای عام‌المنفعه به سیستان آمده بودند پیوست و به خانواده‌های تهیدست کمک می‌کردند. در خرداد ۱۳۶۰ به عضویت رسمی سپاه درآمد و بعد از چند ماه برای گذراندن دوره عالی فرماندهی به تهران اعزام گردید و در پادگان علی (ع) این دوره را با موفقیت طی کرد. همزمان با عملیات سرنوشت ساز بیت المقدس به جبهه آمد و به عنوان معاونت گردان اولین حماسه عاشقانه‌اش را بر خاک خونباز خرمشهر رقم زد. در تابستان ۱۳۶۱ فرمانده



گردان شهید مطهری شد. در سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد و بعد از آن در عملیات‌های والفجر ۴ پرچم حماسه بر بام ارتفاعات منطقه فراشت و در جزایر مجنون در مقام فرمانده تیپ عملیات خبیر را با شجاعت و تدبیر رهبری کرد که حین عملیات در اثر بمباران شیمیایی دشمن به شدت مصدوم شد و به تهران اعزام شد، ولی سریباً به جبهه برگشت. وی در سال ۱۳۶۳ در عملیات بدر در ناحیه پا به سختی مجروح شد، اما در بستر بیماری نماند و به پشت جبهه آمد و به تبلیغ مبانی دفاع مقدس پرداخت. در سال ۱۳۶۴ میهمان خانه خدا شد و بعد از برگشت بی‌درنگ به جبهه رفت که در جلسه‌ای به عنوان قائم‌مقام لشکر همیشه پیروز تارا... معرفی شد. در عملیات والفجر ۸ نیروهای لشکر را هدایت کرد و با یاری همه یارانش شهر فاو آزاد گردید. در عملیات کربلای ۱، کربلای ۴ و کربلای ۵ خط دشمن را در هم شکست و در عملیات کربلای ۵ نزدیک غروب آفتاب روز ۱۹ دی ماه ۱۳۶۵ به فیض شهادت نایل گشت و در ۲۹ دی ماه در دیار قرب الهی آرام گرفت.

قهرمان بلوچستان

خلبان شهید محمد امین میرمراذهی: سرتیپ خلبان شهید محمدامین میرمراذهی از برادران اهل تسنن و قشر بلوچ بود که در روستای سیب از شهرستان سیب و سوران در آذرماه سال ۱۳۳۲ متولد شد. او از طایفه میرمراذهی یکی از اقوام اصیل و نجیب قوم بلوچ بود و پدر ایشان حاج گهرام نیز یکی از افراد متعهد و ریش سفیدان منطقه است. دوران ابتدایی را در روستای سیب و دوره دبیرستان را در شهرستان سراوان با کسب نمرات بالایی طی کرد و از شاگردان ممتاز دبیرستان خویش بود و در تعطیلات تابستان دوشادوش پدرش در کارهای کشاورزی به عنوان یک وظیفه کار می‌کرد. در سال ۱۳۵۳ به استخدام هوانیروز ارتش درآمد و پس از گذراندن دوره فن پرواز با بالگرد در اصفهان موفق به پذیرفته شدن دوره خلبانی بالگرد شد. در سال ۱۳۵۷ در روستای خودش درباره مسائل روز و مشارکت مردم در تظاهرات علیه حکومت شاهنشاهی سخنرانی کرد. در سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد. خلبان شهید سرتیپ محمدامین میرمراذهی در عملیات‌های متعدد جنگی حماسه‌های جاوید و به یاد ماندنی خلق کرد و طعم تلخ موشک‌ها و راکت‌های بالگردش را دشمنان ایران بارها و بارها چشیدند. در آخرین مأموریت، این خلبان فداکار در عملیات رمضان در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۶۱ به اتفاق همزمش به درجه رفیع شهادت نایل شد.



شکل ۱۵-۱۱- شهید محمدامین میرمراذهی

فعالیت

دانش آموز عزیز: تحقیق کنید

- ۱- در محل زندگی شما چه کسانی در فعالیت‌های اجتماعی و عمرانی محله بیشتر مشارکت دارند؟ خلاصه‌ای از فعالیت‌های آنها را بنویسید و در کلاس درس برای دانش‌آموزان دیگر بخوانید.
- ۲- شرح فعالیت و زندگی‌نامه یک یا دو نفر از افراد محبوب محله و یا فامیل‌تان که مورد احترام هستند را به‌طور خلاصه بنویسید و در کلاس درس برای دانش‌آموزان دیگر بخوانید.
- ۳- شما دوست داشتید به‌جای کدام یک از شخصیت‌های داخل کتاب بودید؟ چرا؟